

به نام خدای مهربان



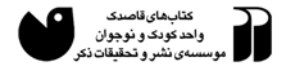
آشنایی با  
مشاهیر  
علم

آشنایی با  
پروفسور  
حسابی

محمد امین بابا ربیع

کتاب‌های قاصدک  
واحد کودک و نوجوان  
نشر و تحقیقات ذکر





کتاب‌های ناصدک  
واحد کودک و نوجوان  
موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر

---

---

---

---

---

آن چه پیش روست گزیده‌ای است کوچک از خدمات  
ارزشمند پروفیسور سید محمود حسابی که در این راستا  
جا دارد از حمایت‌ها و راهنمایی‌های بی‌دریغ آقای  
مهندس ایرج حسابی و دست‌اندرکاران موزه‌ی پروفیسور  
حسابی تقدیر و تشکر نمایم.

مَشْكُوه

اولین نماینده‌ی دائم ایران در امور بین‌المللی فضا در ملل متحد.  
ریاست گروه کشورهای جهان سوم در کنفرانس بین‌المللی فضا.  
دارای نقشی تاثیرگذار در جنبش ملی شدن صنعت نفت در دولت  
مصدق.

اگر امروز ما ایرانیان بحث و جدل‌هایی برای ارزش‌گذاری یا  
بی‌ارزش جلوه دادن دانشگاه‌هایمان انجام می‌دهیم، باید دانست،  
روزی که وزیر فرهنگ وقت فرق بین فیزیک و شیمی را نمی‌دانست او  
با وجود تفاوت علمی و با ارزش تر بودن مدارک خودش بی‌هیچ‌گونه  
ادعایی اولین دانشگاه را در ایران بنیان گذاشت.

او مردی از خود گذشته و دلسوز بود. آن‌گونه که باید و شاید به مردم  
شناسانده نشد و تا به حال کمتر از وی یاد شده است.

اما بیگانگان...

زیاده‌گویی نیست اگر بگوییم بیش از ما ایرانیان، بیگانگان او را شناختند. چه در زمان حیاتش و چه بعد از آن از وی تقدیر کردند. چنان‌که:

در سال ۱۹۹۰ میلادی از سوی دانشگاه کمبریج آمریکا به عنوان "مرد اول علمی جهان" شناخته شد.

فرانسوی‌ها بالاترین نشان علمی کشورشان، ابتدابه نام "کومان‌دور دولژیون دونور" و سپس "افیسیه دولژیون دونور" را به وی اعطا کردند.

پیش از آن در دانشگاه‌های شیکاگو و پرینستون آمریکا موفق شد در کرسی پروفیسور انیشتین به مطالعه و تحقیق پردازد، که از آن سال‌ها بعداً به عنوان دوران طلایی علمی خود یاد می‌کند.

اعتبار او به حدی است که با وجود گذشت سال‌ها از مرگش، همین چند سال پیش بزرگ‌ترین دانشگاه بریتانیایی، دانشگاه متروپولیتن لندن، اعطای بورس تحصیلی دوره‌ی فوق‌لیسانس خود را به افتخار این دانشمند ایرانی در برنامه کار خود قرار داد و نام پروفیسور حسابی را بر این بورس تحصیلی گذاشت.

اما در مقابل ایران...

در زمان حیاتش به سختی کار دولتی پیدا کرد و برای دور کردن او از مراکز پیشرفت، با پنج الاغ و سه تفنگچی او را رهسپار نقشه‌برداری و راه‌سازی راه سراسری خلیج فارس کردند.

بهتر است بگوییم، گذران زندگی و بدتر از آن فهماندن ارزش علم به مسئولین کشور در آن روزگار ایران نیاز به معجزه داشت.

در نبود امکانات غیرممکن‌ها را ممکن کرد. انقلاب و دگرگونی علمی را در ایران به راه انداخت. از تاسیس رادیو و ایستگاه هواشناسی و تاسیس دانشگاه تهران گرفته تا راه‌سازی و خدمت به عالم موسیقی، از ایجاد آزمایشگاه‌های علمی در کشور گرفته تا بنیان‌گذاری فرهنگستان زبان. بیمارستان خصوصی ساخت، برای کشورش سازمان انرژی اتمی ایجاد کرد، بسیاری از اساس‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های حقوقی موسسات و سازمان‌های کشور، مانند موسسه استاندارد، مرکز ژئوفیزیک، اولین مرکز تعقیب ماهواره‌ها، اولین رصدخانه مدرن ایران، ساخت اولین دستگاه رادیولوژی در کشور و ده‌ها مورد دیگر را در کشور بنیاد نهاد.

با یک جمع‌بندی گذرا و ساده از زندگیش می‌توان او را "مرد اولین‌های ایران" نام نهاد. گرچه عنوان پدر علم فیزیک و مهندسی نوین ایران را به او داده بودند اما آن‌چه او برای کشورش انجام داد با هیچ نشان و افتخاری قابل تقدیر نیست.

البته شاگردان قدرشناس او که اکثراً از اساتید بنام هستند و بسیاری از مسئولین تراز نخست در این پنجاه سال در ایران تعدادی خیابان، مدرسه، سالن دانشگاه و ساختمان به افتخارش نام‌گذاری کردند، ولی اگر منصفانه بنگریم شایسته و بایسته است شناساندن او به فرزندان

این مرز و بوم در دستور کار قرار گیرد تا شأن و منزلتش آن طور که در خور خدمات و آرزوهای او می باشد به جامعه معرفی شود که متأسفانه هنوز این مهم انجام نگرفته است.

اگر در کتاب های درسی زندگی و خدمات او را به شکلی مؤثر و جامع به دانش آموزان تدریس می کردند هر ایرانی می توانست دریابد که آن چه می خواند داستان نیست و همه به دست یک ایرانی انجام شده است و آن وقت درمی یافتیم که برای این ملت هم انجام کارهای بزرگ و ارائه نظریه های علمی دست اول جهان ممکن و دست یافتنی است. آن موقع بود که به جای داوری های یک طرفه به سود دانشمندان غیرایرانی، هر دانش آموزی نه تنها آرزو بلکه هدف خود را قدم گذاشتن در راه پروفیسور سید محمود حسابی قرار می داد.

#### دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی

سید محمود حسابی از پدر و مادری تفرشی (واقع در جنوب غربی استان تهران قدیم و امروز از شهرستان های استان مرکزی) در شهر تهران در سال ۱۲۸۱ خورشیدی چشم به جهان گشود. هنوز بیش از چهار سال از زندگیش سپری نشده بود که به دلیل شغل دولتی پدر (کنسول عالی وزرات امور خارجه) مجبور به ترک وطن و زندگی در شهر بیروت شد.

در ابتدای اقامت در بیروت در سفارتخانه ایران زندگی را با پدر و مادر و برادرش محمد به خوبی و خوشی و رفاه کامل ادامه می داد. اما دیری نگذشت که زیاده خواهی ها و جاه طلبی های پدر در بدست آوردن مقام های بالاتر زندگی را به کام محمود و محمد و مادر فداکارشان تلخ کرد. تا جایی که بدون سرپرستی پدر تنها با مادر و برادرش زندگی در کشوری غریب و در زیر تازیانه های فقر و تنگدستی را تجربه کرد.

تلاش‌های پدرش معزالسلطنه در کسب ثروت و قدرت به هر طریقی از یک سو و تلاش‌ها و فداکاری‌های مادرش گوهرشاد خانم در کشور غریب از سوی دیگر و تحمل ملامت‌ها و تنگدستی‌ها و خطرات و هم‌چنین تلاش‌های علمی معجزه‌آسای محمود، آن هم در فقر شدید، همه و همه، دست به دست هم دادند، تا زندگی پر ماجرای پروفسور سید محمود حسابی در صحنه روزگار رقم بخورد.

به دلیل تنگدستی مدرسه رایگان کشیشان در بیروت تنها محل ممکن برای یادگیری حداقل در آن دوران بود.

وی از ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۴ به تحصیل در آن مرکز پرداخت. به دلیل دور ماندن از آموزه‌های مذهبی و ایرانی تنها معلم ایرانی که می‌توانست محمود را با فرهنگ و وطنش آشنا کند وجود مادری دلسوز بود.

گوهرشاد خانم که خود زنی دانشمند بود قرآن کریم، حافظ، بوستان و گلستان سعدی، مثنوی مولوی و شاهنامه را به فرزندانش تعلیم داد. وجود این مادر مهربان آن‌چنان تأثیرگذار بود که می‌توان پیشرفت جهانی این دانشمند را مدیون فداکاری‌های مادرش دانست و این تأثیر در گفته‌های خود پروفسور حسابی هم بعدها به چشم می‌خورد به طوری که حضور دو زن را در زندگی‌اش پر رنگ می‌شمارد که یکی مادرش گوهرشاد خانم و دیگری همسرش خانم صدیقه حائری است. دامن مادر نخست آموزگار کودک است

طفل دانشور کجا پرورده نادان مادری

سپس در کالج آمریکایی بیروت مشغول به تحصیل می‌شود. همزمان پدرش در ایران سرگرم بالا بردن مقام دولتی است و به همین خاطر با دختری از خانواده‌ی سلطنتی ازدواج می‌کند. حالا علاوه بر تنگدستی و شرایط سخت زندگی در غربت مشکل جدید بروز می‌کند و آن چیزی نیست جز حسادت همسر دوم نسبت به وجود

